

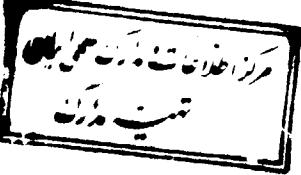
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لراین ساره دیکن ۷۷، ۹۲۳ رماغ بعل احمد

عمر ۱۹ مسال عابد ان شلی رفت
۷۷، ۹۲۳

۲۴۲۶۲

۱۳۷۸ / ۲ / ۲۰



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

موضوع: تضیع، سوز و ابتهال

در

متنوی معنوی (دفتر اول و دوم)

و

نگاهی به پیشینه آن

استاد راهنما: دکتر سید علی محمد سجادی

استاد مشاور: دکتر کاظم دزفولیان

دانشجو: حسن رضائی خیرآبادی

۱۲۳۱/۲

شهریور ماه ۱۳۷۷

۲۴۲۶۲

«گروهی از پریان نزد من بودند و در
حضورم آماده به خدمت چشمۀ مس در فرمان
بود جاری و روان . به پریان گفتم در این مس
مذاب بدمید : (چنین کردند) تا به صورت آتش
در آمد پس میان خود و یأجوج و مأجوج سدی
قرار دادم »^(۱)

۱- قصۀ الغریة الغرییه شهاب الدین سهروردی ترجمه دکتر حسین خراسانی تحت عنوان :
«بیگانگی در باخترا زمین» انتشارات بعثت چاپ اول ص ۲۷

می گفت که تو در چنگ منی من ساختم چونت نزند
من چنگ توام بر هرگ من تو زخمه زنی من تن تنت
حاصل تو زمن دل بر نکنی دل نیست مرا من خود چکنم
مولانا

تقدیم به شهید غریب

محمد جواد تندگویان

صفحه

عنوان

پیش گفتار

بخش اول

۱	تضرع، سوز و ابتهال در لغت، قرآن و تفسیر.....
۲	تضرع در لغت
۳	معنی ضرع.....
۴	معنی تضرع.....
۵	معانی متفاوت ضرع و ارتباط آن با تضرع
۶	سوز در لغت
۷	ابتهال در لغت
۸	معنی بهل.....
۹	معنی ابتهال
۱۰	حاصل کلام.....
۱۱	تضرع و ابتهال واژه‌هایی مذهبی هستند
۱۲	قابل تضرع و ابتهال
۱۳	تضرع، ابتهال و سوز در قرآن.....
۱۴	الف : تضرع در قرآن
۱۵	ب : ابتهال در قرآن

پنج

۸	بوم المباھله
۸	ج : سوز در قرآن
۹	«بورک مَنْ فِي النَّارِ...»
۹	معنای بلاغی تصرع
۱۰	تصرع و ابتهال در تفاسیر
۱۰	تصرع در تفسیر و ارتباط آن با توبه
۱۳	ماحصل تصرع در تفسیر
۱۳	ابتهاال در تفاسیر
۱۵	چکیده تفاسیر درباره ابتهاال
۱۵	مقایسه ابتهاال و تصرع
۱۵	ارتباط تصرع و ابتهاال
۱۶	تقارن و تقابل تصرع و ابتهاال در سوره هود
۱۶	تفاوت مخاطبه خداوند و مردم با پیامبران و مردم
۱۷	جمع بندی اولین بخش
۱۸ - ۱۹	فهرست ارجاعات بخش اول

بخش دوم

سوز در لغت و برخی متون عرفانی

۲۱	الف : سوز در لغت
۲۲	سوز و دل
۲۳	سوز چه عملی انجام می دهد

شش

۲۴	سوز و شعر و معانی متفاوت سوز در شعر
۲۴	سوز فراق
۲۶	سوز در برخی آثار عرفانی الف : منطق الطبر
۲۶	سوز و درد
۲۶	سوز امتیاز بشر بر فرشته
۲۷	سوز در همه مراحل سلوک شعله و راست
۲۷	خداؤند به ندای دل سوخته لبیک می گوید حتی دل کافر
۲۷	تضرع انسان در مقابل انسان مردود است اما رد فریاد خواه نیز مکروه
۲۸	ارزنده ترین هدیه به پیشگاه سیمیرغ چیست ؟
۲۸	تعبیر داغ از سوز
۲۸	دل بی سوز مشرك است
۲۹	سوز و آتش پرستی
۲۹	ب : برخی آثار نظامی
۳۰	سعی مولانا
۳۱	بکوش سوز دلی بدست آوری
۳۱	میوه ممنوع و سوز
۳۲	ج : مصباح الهدایه
۳۲	نمایز و سوز
۳۳	محبت و سوز
۳۳	سوز و خوف و رجا
۳۳	د : کشف المحجوب

هفت

۳۳ سوز شرط سلوک

۳۴ - ۳۵ فهرست ارجاعات بخش دوم

بخش سوم

تضرع سوز و ابتهال در اساطیر

۳۷ مقدمه

۳۸ اسطوره چیست

۳۸ اساطیر از دیدگاه علمی و عقلایی

اساطیر از دیدگاه صاحب نظرانی که نیروهای فوق طبیعی را در تشکیل اساطیر مؤثر

می دانند

۴۱ اساطیر و عرفان

۴۲ نور عنصر مشترک در مکاشفات و اساطیر

۴۳ تجلی نور در اساطیر

۴۴ شباهتی دیگر بین عرفان و اساطیر

۴۷ زبان اسطوره

۴۸ رمز چیست

۴۹ علل رمزگرایی

۵۰ رسالت رمز

۵۰ آیا رمز قابل درک است

۵۱ قدر مشترک بین نشانه‌ها و آنچه نشانه‌ها مظهر آن هستند

۵۱ شباهت

هشت

نمونه‌هایی از تأویل اساطیر براساس شباهت.....	۵۳
جلوه‌های سوز، تصرع و ابتهال در اساطیر.....	۵۵
سوز حقیقت است یا مجاز.....	۵۶
اشاره به سوز در اساطیر یونان و روم.....	۵۶
آریایی‌ها از نور خورشید به نوری لمس ناکردنی رسیدند.....	۵۸
آتش سمبل سوز درون.....	۵۹
آتش ابزار تبدل.....	۵۹
آپولون الهه خورشید	۶۰
پرومته و سوز.....	۶۱
ارزنده‌ترین گوهر روی زمین سوز است و بدیها در مقابل سوز خلق می‌شد	۶۲
پرومته در زنجیر	۶۳
چکیده‌ای از داستان «پرومته در زنجیر»	۶۳
سوز در اساطیر ایران	۶۸
جلوه‌ای از تصرع در اصول دین زرتشت	۶۹
پیدایش آتشکده.....	۷۰
آتش در دین زرتشتی رمز پاکی، نور و گرمی است.....	۷۰
تسليم اهريمن در برابر آتش	۷۰
اهريمن آتش را با دود آلوده کرد	۷۱
أنواع آتش در انسان و ديگر موجودات	۷۱
تذکيه با سوز در قصص قرآن ، متون زرتشت و اسرار الثوزيس	۷۴

نه	
۷۵	تفوا و سوز.....
۷۶	آتش و طهارت
۷۶	تمثیلی رمزی محتمل بر تصریع
۷۸	جلوه‌ای واقعی از تصریع در اساطیر.....
۷۸	جلوه‌هایی از ابتهال در اساطیر
۷۸	قصه کشتن قابیل هابیل را
۷۹	مباہله زرتشت
۷۹	جمع بندی پایانی بخش اساطیری سوز و تصریع و ابتهال
۸۱ - ۸۶	فهرست ارجاعات بخش سوم

بخش چهارم

تصریع سوز و ابتهال در مثنوی معنوی (دفتر اول و دوم)

۸۸	مقدمه بخش چهارم
۹۹	آغاز متن بخش چهارم
۹۹	الف: (تصریع، سوز و ابتهال در دفتر اول مثنوی)
۱۰۰	نخستین تصریع در متن مثنوی معنوی
۱۰۱	نگاهی به ساختار نخستین تصریع و ابتهال
۱۰۲	چرا تصریع به نتیجه نمی رسد
۱۰۳	دل سخت رد می شود و دل شکسته قبول
۱۰۳	دیدگاههای کلامی مولانا درباره تصریع
۱۰۸	متضرع ظالم نیست

تضرع موهبتی الهی برای مقابله با کبر و دیگر مظاہر دیسونفس در حکایت پادشاه	۱۰۹	جهود
کلمه طبیه	۱۱۰	
ابتھال چاره ریا و نفاق و حتی فضا و قدر در «قصة شیر و نخجیران»	۱۱۲	
حضرت آدم مقهور قضائی شد و با تضرع رست (تضرع چاره قضائی بد)	۱۱۳	
تضرع سلاح جهاد اکبر	۱۱۵	
تضرع در قصه جان (قصه طوطی و بازرگان)	۱۱۷	
تضرعی مبهم، تضرعی بی سؤال (تضرع عارف و اصل)	۱۱۸	
مقایسه تضرع عارف و عامی	۱۱۹	
تضرع و توبه چون نفس و زندگی است	۱۱۹	
تضرع دلیل هبوط آدم	۱۲۰	
طماع تضرع رانمی فهمد	۱۲۰	
سوز	۱۲۱	
تضرع پناهگاهی در هجوم فراق	۱۲۲	
تضرع مقتضای نیاز	۱۲۴	
داستان پیر چنگی	۱۲۵	
تضرع پیر چنگی	۱۲۶	
تضرع برای گذشته‌ها حجاب است	۱۲۷	
تضرع قبله نیست	۱۲۸	
داستان اعرابی و خلیفه	۱۲۹	
شرایط قبول تضرع در دادگاه پروردگار	۱۳۰	

یازده	
۱۳۱	تضرع در برابر خدا و ظلم به بندگان خدا
۱۳۳	تضرع باعث رحمت است حتی بر غیر مستحق
۱۳۴	نیت تضرع از اظهار صورت تضرع کفایت نمی کند
۱۳۵	تضرع در آخرين حکایت بلند دفتر اول (وصیت کردن رسول (ص) مر علی (ع) را)
۱۳۷	کبر و کفر سد تضرع
۱۳۸	شرح این ترسم که نومیدی دهد
۱۳۸	آخرين تضرع در پایان دفتر اول (تضرع تنها درمان کبر)

ب - دفتر دوم

۱۴۰	تضرع سوز و ابهال در دفتر دوم مثنوی معنوی (مقدمه)
۱۴۱	نخستین تضرع بشر توان طمع بود
۱۴۴	سوز وسیله کسب حکمت و معرفت
۱۴۴	آیا گناه مقتضای تضرع است
۱۴۶	رحمتم موقوف آن خوش گریه هاست
۱۴۶	تمثیل تضرع
۱۴۷	حلوا خریدن شیخ احمد خضرویه
۱۵۳	تضرع بر خواهش‌های نفس بیگار تن است و ابلهانه
۱۵۴	دفع تقلید به کمک تضرع (رو به آب چشم بندش را برند)
۱۵۵	کو سوز دل
۱۵۸	رستن از طمع با ارائه نیاز
۱۵۸	واژه‌های تضرع را باید از خدا طلب کرد

دوازده	
۱۰۹.....	این سخنها خود به معنی یاربی است
۱۶۰	هنگامه تصرع
۱۶۱	سوز غم زدا است
۱۶۲	تصرع چاره ناچاری است لاکن نه همیشه جاری است
۱۶۳	انکار، عمل زشت و دیو نفس موائع تصرع هستند
۱۶۴	راز تصرع (کشف اسرار ضمیر خویشتن)
۱۶۵	داستان موسی و شبان و تصرع شبان
۱۶۵	تصرع فروتنی قلبی و روانی است همراه سوز نه لفاظی
۱۶۶	سوز و تصرع چوبان شرط عروج وی
۱۶۷	راز تصرع
۱۶۹	اولین جمله مثنوی معنوی و تصرع (تصرع رمز یقین)
۱۷۰	تصرع فرصتی برای شناخت دل
۱۷۰	لزوم رنجوری جسم چیست؟
۱۷۱	چرا با تصرع باید تن را مهار کرد نه با معرفت؟
۱۷۱	شناخت درست نفس تاب تصرع هم باقی نمی گذارد
۱۷۲	اولیای الهی نیز به تصرع مظلومین پاسخ می دهند
۱۷۲	کنده تن و غل بخل را با سرمایه تصرع چاره کن
۱۷۳	نومیدی از تصرع و سوسمه شیطان است
۱۷۳	«ای خدا این سنگ دل را موک کن» تا خدمت کند
۱۷۴	اگر دلت کور است حق کسی را خوردگاهی
۱۷۵	ارتباط سوز با تقوی

سیزده	
۱۷۶	تضرع در داستان معاویه و ابلیس
۱۷۷	معاویه از زبان ابلیس
۱۷۸	پاداش تضرع در فوت نماز افضل از ثواب نماز است
۱۷۹	تضرع در مقابل قرای سرکش درون
۱۸۰	تضرع مانع مردن جان
۱۸۰	ابتها مردان حق باعث رسایی و نابودی اقوام نافرمان
۱۸۱	تضرع اقرار به ریوبیت خداست
۱۸۲	تبیح راه رهایی از ماهی تن
۱۸۳	حاجت کمند هستی و تضرع محمل حاجت
۱۸۴	در ندامت چاپک و برکار باش
۱۸۷	اصرار برگناه مانع تضرع است
۱۸۸	تضرع علاج درد بی دوا
۱۸۸	شعیب و تضرع
۱۸۹	سخن آخر (چشم را بگشاد سوی آسمان)
۱۹۳ - ۱۹۴	فهرست ارجاعات
۱۹۵	كتابنامه

پیش گفتار

چون کند تقصیر پس چون تن زند

چونکه لبیکش به یارب می رسد (۲/۱۱۸۹)

بررسی مثنوی مولانا جلال الدین محمد بلخی از ابعاد و دیدگاههای مختلف سؤالهای متفاوتی به دنبال دارد که بدون یافتن پاسخ مناسب سؤالها مقاصد مولانا در داستانها و تمثیلهای مثنوی برخواننده مکتوم می ماند. برخی مضامین در مثنوی گستره پهناوری دارند و از آغاز تا انتهای مثنوی جلوه‌گری می کنند تصرع و سوز از این مفاهیم هستند و ابیات ذیل نمونه‌هایی از مصاديق آن.

چون برآورد از میان جان خروش	اندر آمد بحر بخشایش به جوش
در میان گریه خوابش در رسود	دید در خواب او که پیری رو نمود
....	گفت ای شه مژده حاجات رو است

و

که اجابت کن دعای حاجیان	چشم را بگشود سوی آسمان
زود پسیدا شد چو پیل آبکش	در میان این مناجات ابر خوش
....	همچو آب از مشک باریدن گرفت

و یا:

اندر این حضرت ندارد اعتبار (۳/۱۳۲۳)	جز خضوع و بندگی و اضطرار
جربه در ددل معجو دلخواه را (۲/۱۸۴۹)	جز به شب جلوه نباشد ماه را
جز شکسته می نگیرد فضل شاه (۱/۵۳۲)	فهم و خاطر تیز کردن نیست راه
پیش یوسف نازش و خوبی مکن (۱/۱۹۰۸)	جز نیاز و آه یعقوبی مکن

و یا:

جز نیاز و جز تصرع راه نیست (۳/۲۷۸۲)

یکی از سؤالهای اساسی مطرح هنگام مواجهه با این مضامین این است که :

آیا تصرع در مثنوی و برآمدن حاجات به شیوه مطرح در ابیات فوق از نوادر حکایات و